

مرگ رهگذر هنگام عبور از زیر پل عابر پیاده در بزرگراه

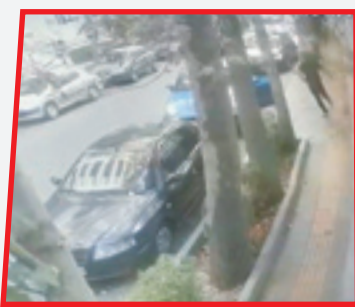
بی احتیاطی و هگذر میانسال هنگام عبور از زیر پل عابر پیاده در بزرگراه جناح تهران به قیمت جانش تمام شد.

به گزارش جوان، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور قانپ توضیح داد: ساعت ۱۰:۴۰ روز پنج‌شنبه هشتم آبان‌ماه مأموران پلیس راهور از حادثه رانندگی در مسیر شمال به جنوب بزرگراه جناح، مقابل خیابان سازمان آب با خبر شده و در محل حاضر شدند.

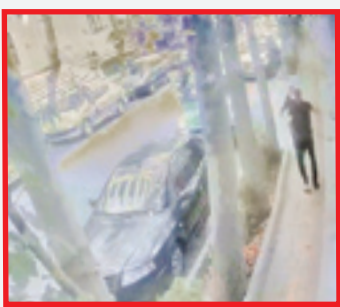
در بررسی‌ها مشخص شد که مردی رهگذر حدود ۶۰ساله هنگام عبور از عرض خیابان در تصادف با خودروی پژو ۲۰۶ عبوری دچار حادثه شده و جانش را از دست داده‌است. سرهنگ مؤمنی گفت: این حادثه در دست زیر پل عابر پیاده اتفاق افتاده و مرد رهگذر به جای استفاده از پل عابر وارد بزرگراه شده‌بود که حادثه رقم می‌خورد. وی علت حادثه را بی احتیاطی رهگذر به دلیل عبور غیر مجاز از عرض بزرگراه و عدم استفاده از پل هوایی اعلام کرد.

سرق گردنبد طلایى علسى دایى، فوتیالیست سرشناس، سرانجام توجه سارقان را به خود جلب کرد و سبب شد سرقت از او خبر ساز شود.

به گزارش جوان، ساعت۱۸ روز چهارشنبه، هفتم آبان‌ماه علی دایى همراه فرزندش از دفتر محل کار خود در خیابان آصف محله زعفرانیه خارج شد و به سمت خودروی خود حرکت کرد.براساس فیلم منتشر شده از صحنه حادثه، دایى هنوز پشت فرمان خودروی خود ننشسته بود که مرد جوانی که ماسک به صورت داشت از پشت سر به او حمله کرد و گردنبد طلای او را دست گرفت.علی دایى اما خیلی زود هوشیار شد



و در حالی که دخترش نورا خود را به کنار دیوار رساند، برای لحظاتی با سارق درگیر شد که در جریان آن، علی دایى ناگهان نقش بر زمین شد و سارق فرصت قرار پیدا کرد. سارق خیلی زود خودش را به موتورسواری رساند که انتظارش را می‌کشید و ثانیه‌هایی بعد هر دو از محل متواری شدند. سرهنگ محمد کالوسی، سر کلانتر یکم پلیس پیشگیری تهران گفت که گردنبد او کاملاً نمایان بوده و به نظر نمی‌رسد که سارقان از قبل دایى را برای سرقت گردنبد شناسایی کرده باشند. وی ادامه داد: ارزش گردنبد سرقت شده ۸۰میلیون تومان است. سرکلانتری یکم پلیس آگاهی تهران گفت که در



حال حاضر پرونده به پلیس آگاهی تهران ارجاع شد و تحقیقات برای بازداشت سارقان در جریان است. انتشار خبر سرقت از دایى در شبکه‌های اجتماعی واکنش بسیاری از کاربران را به همراه داشت. بسیاری از کاربران عکس‌هایی از این فوتیالیست با گردنبد طلا را به اشتراک گذاشته و گفته‌اند که سارقان به جای صورت دایى، چشم به گردنبد او داشته و مرتکب سرقت شده‌اند. ناکامی این فوتیالیست هنگام درگیری باسارق هم مورد اقبال کاربران قرار گرفته‌است.بسیاری از کاربران هم از اینکه دایى و دخترش در جریان حادثه دچار جراحت نشده‌اند ابراز خوشحالی کرده‌اند.



آه بیمار سرطانی گریبان سارق را گرفت

یکى از اعضاى باند سارقان مسافركش پس از دستگیرى اعتراف کرد که بعد از زورگیرى از یک سرطانى به همین بیمارى مبتلا شده‌است. به گزارش جوان، چندی قبل مردى به اداره پلیس تهران رفت و از چهارمرد زورگیر به اتهام آدم‌ربایى و سرقت‌اموالش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «مدتی است بیمارى سرطان دارم و هزینه درمان و داروهایم خیلی بالا است. یک روز قبل یکى از دوستانم ۵میلیون تومان

به کارتم واریز کرد که با آن دارو بخرم تا اینکه ساعتى قبل از اسلامشهر با خودروی پراید مسافركشى راھى تهران شدم تا به داروخانه دولتى بروم و داروهایم را تهیه کنم. علاوه بر راننده سه مرد دیگر هم به عنوان مسافر داخل خودرو بودند که من هم سوار شدم

و راننده هم به طرف تهران به راه افتاد. در میانه راه راننده تغییر مسیر داد که به او اعتراض کردم و در همین لحظه ناگهان یکى از مسافران جاقوئى به پهلویم گذاشت و تهدید کرد هیچ حرفى نزنم. فهمیدم که در دام زورگیران مسافركش نما افتاده‌ام

و چاره‌ای جز سکوت ندارم. در نهایت آنها کارت علرم و رمزش را به زور از من گرفتند و در نزدیکی دستگاه عابر بانكى خودرو را نگه داشتند. وقتى فهمیدم قصد دارند پول‌های داخل کارتم را برداشت کنند، التماس کردم و گفتم که بیمار سرطانى هستم و پول‌های داخل کارت هم از دوستم قرض گرفته‌ام که دارو بخرم اما آنها به التماس‌ها و گریه‌های من توجهی نکردند و تمامی پول‌هایم را برداشت کردند و آخر هم باسرقت تلفن همراهم مرا در یکى از خیابان‌های خلوت جنوب تهران از خودرو بیرون انداختند و گریختند»

■ **دستگیرى زورگیران**

بدین ترتیب تیمى از کاراگاهان زنده پلیس آگاهی به

دستور قاضى على ایرد موسى، بازبررس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی و دستگیرى زورگیران مسافركش نماوارد عمل شدند. بررسی‌های مأموران نشان داد سارقان با دو خودروی پراید و پژوى سرقتى در تیم‌های دو، سه و چهار نفره مسافران را از اسلامشهر سوار خودرو کرده و در میانه راه با تهدید جاقو و ضرب و جرح اموال آنها را سرقت مى‌کنند.

در حالى که تحقیقات برای دستگیرى سارقان ادامه داشت، چند روز قبل به مأموران پلیس خبر

مى‌کرد. خبلى دوست نداشت، دنبال سرقت بروم اما او کم‌کم مرا معتاد به مواد مخدر شیشه کرد که پس از آن بیکار شدم و همراه او و دو نفر دیگر باند سرقت تشکیل دادیم. روز حادثه هم او همراه من بود که موفق به فرار شد.

درباره نحوه سرقت توضیح بده.

کار خاصی انجام نمى‌دادیم. معمولاً ابتدا خودرویى سرقت مى‌کردیم و بعد با خودرویى سرقتى در پوشش مسافركبرى اموال مسافران را به زور مى‌گرفتیم.

چقدر گیر شماى آمد؟

در هر سرقت معمولاً بین یک تا ۳میلیون تومان

گفت‌وگو با متهم

فریب‌ز سابقه دارى؟

بله، سابقه سرقت دارم. البته مدتی است که وارد باند سارقان شدم.

چرا؟

از دو سال قبل که معتاد به شیشه شدم برای تهیه هزینه مواد وارد باند خلافکاران شدم.

بیشتر توضیح بده.

من دیپلم دارم و کفش فروشى کار مى‌کردم و درآمد بد نبود تا اینکه دو سال قبل با پسر جوان خلافکاری در پارک آشنا شدم. او سارق حرفه‌ای بود و همیشه از هیجان و درآمد خوب سرقت تعریف

آگهی مفقودی

بدینوسیله به اطلاع می رساند برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) خودروی سواری سمند مدل ۱۳۹۲ به شماره ایران ۳۵- ۲۶۸ ج ۱۵ به شماره موتور 124K0325667 و شماره شاسی NAAC91C 4E4F650979 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تبریز

آگهی مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی و سند نقل و انتقالات خودرو پژو ۴۰۵ تیپ GLXI مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره ای متالیک به شماره پلاک ایران ۳۰- ۴۲ س ۷۴ به شماره موتور ۹۲۳۷۶۷-۱۲۴۸۶۰ شماره شاسی ۴۰۴۳۳۶۷۱ متعلق به آقای بهنام شعبانی نژاد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه

قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی (نوبت ۹۲)

آقای محمد نادری فرزند محمد حسین بشماره شناسنامه ۱ صادره از بشماره ملی ۰۶۲۱۴۱۱۷۱۱ در شنشاندگ یکباب عمارت به مساحت ۲۰۳/۸۰ متر مربع پلاک یک فرعی از ۱۵۷۹ اصلی واقع در بخش دو اراک خریداری بهابرسایر مالکیت نامه عادی از محل مالکیت احمد مهاجرانی.

– ردیف ۴۴ رای شماره ۸۲۳- ۹۹/۲/۲۹- خانم زینب پهماسبی زاده فرزند میرعباس بشماره شناسنامه ۱۷۰۹ صادره از اراک بشماره ملی ۰۵۳۳۳۷۲۸۰۸ در شنشاندگ یکباب عمارت باستثناء بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۶۰/۵۰ متر مربع پلاک ۳۳۲ فرعی از ۴۴۶۰ اصلی واقع در بخش دو اراک خریداری برابرسایر مالکیت نامه عادی از محل مالکیت زهره سهرابی.

– ردیف ۴۵ رای شماره ۳۲۶۲- ۹۹/۵/۱۲- خانم مولود دوخانی فرزند شعبانعلی بشماره

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

حوزه ثبتی ناحیه دو شهر کرد بخش ده استان چهار محال و بختیاری

به دستور مواد ۳۰ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق الذکر املاکی که در هیات مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهر کرد مورد رسیدگی و رای آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:
املاک واقع در ابنیه هفشجان به شماره پلاک ثبتی ۲۲۰- اصلی ۱۸۱۹ فرعی قسمتی از پلاک ۲۰۰ فرعی آقای عبدالرسول فتحی هفشجانی نسبت به چهاردانگ مشاع از شنشدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۴۷۰۴ متر مربع به محد ۱۸۱۹ فرعی قسمتی از پلاک ۲۰۰ فرعی خانم افسانه شیخ هفشجانی نسبت به دودانگ مشاع از شنشدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۴۷۰۴ متر مربع به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه کنیر الانتشار و محلی آگهی و در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای صادره اعتراضی داشته باشند باید تا دوماه از تاریخ انتشار اولین آگهی در شهرها و از تاریخ الصاق آگهی در روستاها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهر کرد تسلیم و رسید اخذ نمایند.
معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه دو شهر کرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

ایرج علباری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرستان شهر کرد
تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۹/۸/۱- تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۳۹۹/۸/۷

قاتل: اعتیاد زندگی مان را سیاه کرد

معلم بازنشسته که به اتهام قتل پسر معتمدش در بازداشت به سر می‌برد، گفت که اعتیاد فرزندش به مواد مخدر زندگی آنها را سیاه کرده‌بود. متهم با کامل شدن تحقیقات به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود. به گزارش جوان، چندی قبل، مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه از قتل مردی در یکی از خیابان های محل باخبر شده و در آنجا حاضر شدند. اولین بررسی ها نشان می داد شاهین ۴۰ساله معتاد به مواد مخدر بوده‌است که در جریان درگیری با پدرش به قتل رسیده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی پدر شاهین که معلم بازنشسته‌بود و در محل حضور داشت بازداشت شد.

مجید ۶۵ساله با اقرار به قتل پسرش تحت بازجویی قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: «معلم بازنشسته هستم و زندگی ابرومندی داشتم. شاهین پسر بزرگم بود که سالها قبل به دام اعتیاد افتاد. او ۴۰ساله بود و به خاطر اعتیاد ازدواج نکرده بود. او زندگی خودش و هم زندگی ما را سیاه کرده بود. در این سالها خیلی تلاش کردیم، او را کمک کنیم تا مواد را کنار بگذارد اما هر بار که در کمپ بستری می‌شد، بعد از ترخیص دوباره سراغ مواد می‌رفت. خلاصه اینکه اوضاعش خیلی بد شده بود، طوری که روزی چهار مرتبه هروئین مصرف می‌کرد و من ناچار بودم، پول زیادی به او بپردازم. این شرایط او را خیلی هم بداخلاق کرده‌بود، طوری که بارها من و مادرش را کتک زده بود و حتی تهدید به مرگ کرده‌بود.»

آن مرد در خصوص روز حادثه گفت: «آن روز پسر کوچکم تماس گرفت و گفت با شاهین درگیر شده‌است. بلافاصله به خانه رفتم و سعی کردم شاهین را آرام کنم. اما او درخواست پول کرد. قبول کردم و به او پول دادم. اما او دوباره بهانه‌ای دیگر گرفت و گفت باید همین الان به چالوس برویم. هر چه سعی کردم او اوقع کنم تا صبح صبر کند، گوشش به‌کار نبود. به همین خاطر همراه پسر کوچکم و شاهین سوار ماشین شدم و به طرف کرج حرکت کردیم. هنوز مسیری را رفته‌بودیم که شاهین شروع به فحاشی کرد و با لگد به شیشه کوبید. طوری که روی برادرش چاقو کشید و او را به مرگ تهدید کرد. او آنقدر می‌دکرت بود که بیکاره در ربابا کرد و از ماشین بیرون پرید.» بر دو سالخوره درباره نحوه قتل گفت: «وحشت کرده بودم و در حالیکه دستپاچه شده‌بودم از ماشین پیاده شدم. شاهین با بار دیگر سوار ماشین کردم و روی صندلی شاگرد نشاندم اما او دست بردار نبود و این بار طنابی را از جیبش بیرون آورد و دور گردن برادرش انداخت. او می‌خواست برادرش را خفه کند. با دیدن آن صحنه کنترل اعصابم را از دست دادم و طناب را گرفتم و دور گردن شاهین بیچاندم. وقتی به خود آمدم که پسر ام نفس افتاده بود. آنجا بود که را برادرش خواستم تا با پلیس تماس بگیرد.»

متهم در آخر گفت: «پسرم خیلی مارا اذیت کرده بود اما هیچ وقت راضی به مرگش نبودم. در این سالها سعی کردم به بسیاری از بچه‌ها درس بدهم و آنها را تربیت کنم اما نمی‌دانم چرا پسرم به بیراهه رفت و این سرنوشته برایش رقم خورد.» با اقرارهای متهم وی روانه زندان شد و از آنجا که پدر ولی دم فرزند محسوب می‌شود و همسرش هم از شوهر خود اعلام گذشت که دیوید، کیفر محسوب علیه متهم مادر و پرونده‌برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. به این ترتیب متهم بعد از تعیین وقت در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.